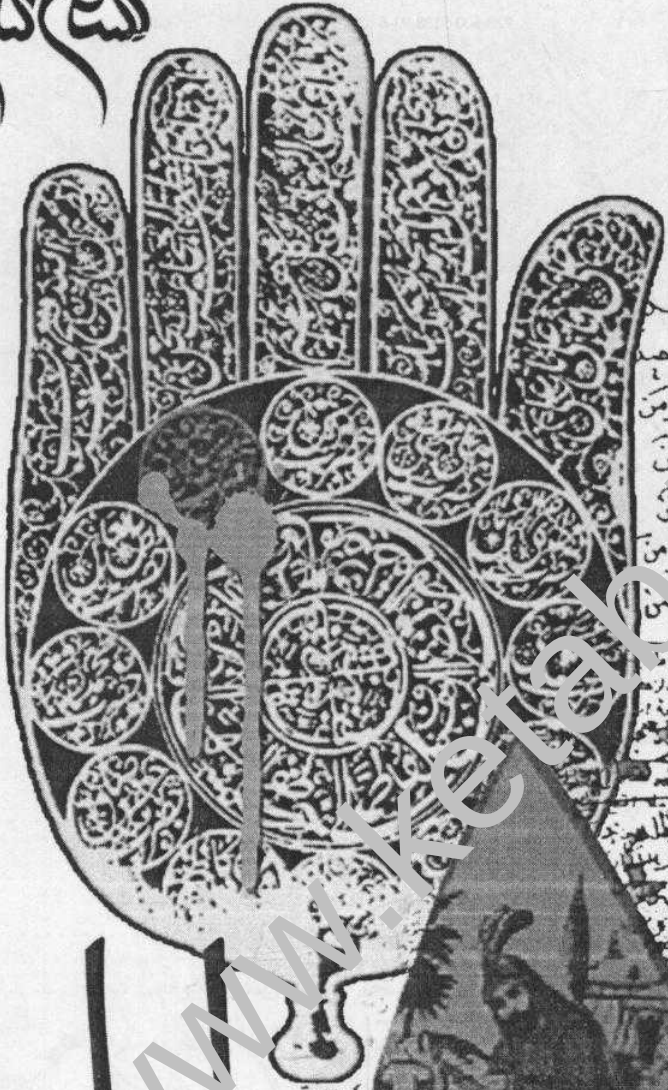


کتابخانه



نالد و کتای بی بنت حد
 گروه بظاهر دوس از رومن
 کردی و لیکن با تو مشاف
 سوی تو باشد چشم ترم

نالد و کتای بی بنت حد
 گروه بظاهر دوس از رومن
 کردی و لیکن با تو مشاف
 سوی تو باشد چشم ترم



ی بنت حد
 ر از رومن

نالد و کتای بی بنت حد
 گروه بظاهر دوس از رومن
 کردی و لیکن با تو مشاف
 سوی تو باشد چشم ترم

نالد و کتای بی بنت حد
 گروه بظاهر دوس از رومن
 کردی و لیکن با تو مشاف
 سوی تو باشد چشم ترم

کتابخانه

سرشناسه : مسیحا مهر، علیرضا، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور : ارباب مقاتل / مؤلف علیرضا مسیحامهر؛ ویراستار فاطمه تلخایی.
مشخصات نشر : تهران: لاهوت، ۱۳۹۴.
شابک : ۱۳۰۰۰ ریال: 978-600-5188-93-6

وضعیت فهرست : فیا
نویسنده : حسین بن علی (ع)، امام ششم، ۲ - ۴۱ ق.
موضوع : واقعه کربلا، ۴۱ ق.
موضوع : عاشورا
شناسه افزوده : تلخایی، فاطمه، ۱۳۶۴ -، ویراستار
رده بندی کنگره : ۹۲ ۱۲۸۸/۵/۴۸۸ BPT1/Q
رده بندی دهخدا : ۲۹۷/۹۵۳۲
شماره : ۲۹۸-۲۲۳
کتابشناسی : علی



نام کتاب: ارباب مقاتل
مؤلف: علیرضا مسیحامهر
ویراستار: فاطمه تلخایی
ناشر: مؤسسه انتشاراتی لاهوت
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ: کتیبه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۳-۶-۵۱۸۸-۹۷۸-۶۰۰

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید
بین چهار راه نظری و روانمهر، کوی توحید، پلاک ۴
تلفن: ۷-۶۶۴ ۸۸۴ ۹۶ همراه: ۰۹۱۲ ۵۰۹۰ ۹۹۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۰
اللهو علی قبی الدنوف	
ولادت امام حسین.....	۱۷
مقتل ابو مخنف	
وصیت معاویه.....	۳
مرگ معاویه.....	۱۰۴
نامه یزید به ولید.....	۱۰۴
مشورت ولید با مروان.....	۱۰۵
فرستاده ولید برای بیعت.....	۱۰۵
حسین در مجلس ولید.....	۱۰۶
حسین در مسجد مدینه.....	۱۰۹
گفتگوی محمد بن حنفیه با حسین.....	۱۰۹
حسین در کنار رسول خدا.....	۱۱۱
آگاهی حسین از شهادت خود.....	۱۱۲
خروج حسین از مدینه.....	۱۱۳
حسین در راه مکه.....	۱۱۳
حسین در مکه.....	۱۱۴
نامه هانی کوفیان.....	۱۱۵
پاسخ امام حسین.....	۱۱۶
عزیمت حضرت مسلم به کوفه.....	۱۱۷
نامه مسلم به امام حسین.....	۱۱۷
پاسخ امام حسین به نامه مسلم.....	۱۱۷
ورود مسلم به کوفه.....	۱۱۸
نامه امام به اهل بصره.....	۱۱۹
اعلام آمادگی اهل بصره.....	۱۲۰
ورود ابن زیاد به کوفه.....	۱۲۲
سخنران ابن زیاد در کوفه.....	۱۲۲
رفتن مسلم از خانه مختار به سرای هانی.....	۱۲۳
مقتل جاسوس در تعقیب مسلم.....	۱۲۴
تقدیم کشتن ابن زیاد.....	۱۲۵
دیدار مقتول با مسلم بن عقیل.....	۱۲۶
احضار هانی نزد ابن زیاد.....	۱۲۶
دعوت هانی به سوی ابن زیاد.....	۱۲۶
هانی در پیش روی ابن زیاد.....	۱۲۷
خطبه‌ی ابن زیاد پس از دستگیری.....	۱۲۷
هانی.....	۱۳۱
خروج مسلم بن عقیل.....	۱۳۱

۱۴۹	حسین	۱۳۲	اجتماع اشراف نزد ابن زیاد
۱۵۰	آخرین گفتگوی ابن زبیر با امام حسین	۱۳۲	نیرنگ امان
۱۵۰	خطبه امام در آستانه سفر به عراق	۱۳۳	تنهایی مسلم بن عقیل
۱۵۲	گفتگوی محمد بن حنفیه با امام صادق	۱۳۴	ابن زیاد در تعقیب مسلم بن عقیل
۱۵۲	نظر عروه بن سعید فرماندار مکه	۱۳۵	خطبه‌ی ابن زیاد پس از تنهایی مسلم
۱۵۴	توقف گاههای (منازل) بین راه	۱۳۶	ابن زیاد در جستجوی مسلم بن عقیل
۱۵۸	پیوستن زهیر بن قین به کاروان حسینی	۱۳۷	یافتن مسلم بن عقیل
۱۷۰	نینوا	۱۳۷	خروج محمد بن اشعث برای نبرد با مسلم
۱۷۵	نامه عمر بن سعد به ابن زیاد	۱۳۸	خروج مسلم برای نبرد با اشعث
۱۷۵	پاسخ ابن زیاد به نامه ابن سعد	۱۳۸	آتش و سنگ بر سر مسلم
۱۷۵	دیدار ابن زیاد با امام	۱۳۸	اسارت مسلم با نیزنگ امان
۱۷۷	دومین نامه عمر بن سعد به ابن زیاد	۱۳۹	وصیت مسلم به ابن اشعث
۱۷۷	پاسخ ابن زیاد به نامه ابن سعد	۱۴۰	مسلم بر در کاخ
۱۷۹	ابلاغ امان نامه	۱۴۰	وصیت مسلم به عمر بن سعد
۱۷۹	نبرد آب بر روی حسین و یاران او	۱۴۱	مسلم در مجلس ابن زیاد
۱۸۰	نبرد مر بن سعد به سمت امام	۱۴۲	شهادت حضرت مسلم
۱۸۳	رخد های شب عاشورا	۱۴۴	شهادت هانی بن عروه
۱۸۳	خطبه امام در شب عاشورا	۱۴۴	دو شهید دیگر
۱۸۳	موضع بنی هاشم و اعرام آمادگی شان	۱۴۵	بازداشت نمودن مختار
۱۸۴	موضع اصحاب و اعلام آمادگی شان	۱۴۵	فرستادن سر مسلم و هانی به سوی یزید
۱۸۶	امام در شب عاشورا	۱۴۵	
۱۸۸	امام حسین و یاران او در شب عاشورا	۱۴۷	حرکت حسین از مکه به سمت عراق
۱۸۹	رخ دادهای روز عاشورا	۱۴۷	رابطه ابن زبیر با امام
۱۹۴	توبه حنین ریاحی	۱۴۸	گفتگوی ابن عباس با حسین
۱۹۶	خطبه حنین یزید ریاحی	۱۴۸	گفتگوی دوم ابن عباس
۱۹۷	شروع جنگ	۱۴۸	گفتگوی عمر بن عبد الرحمن مخزومی با

۲۳۱	امام حسین	۲۰۱	کرامت و هدایت
۲۳۱	شرح وداع امام حسین	۲۰۲	مباهله بربر و کیفیت شهادت او
۲۳۴	شرح وداع آخر برای اباعبدالله الحسین	۲۰۶	حملات اصحاب امام و مبارزاتشان
۲۳۷	غار خیمه ها	۲۰۸	کیفیت شهادت حبیب بن مظاهر
۲۴۰	فرستادن اهل بیت حسین به سمت کوفه	۲۰۹	کیفیت شهادت حر بن یزید ریاحی (ره)
۲۴۱	خطبه حضرت زینب	۲۱۱	کیفیت شهادت زهیر بن قین
۲۴۲	سر امام در مقابل ابن زیاد	۲۱۱	کیفیت شهادت نافع بن هلال
۲۴۳	اهل بیت در مجلس ابن زیاد	۲۱۲	کیفیت شهادت دو برادر غفاری
۲۴۵	واکنش عبدالله بن عقیف و شهادتش	۲۱۲	کیفیت شهادت دو جوان هابری
۲۴۵	مدینه در سوگ امام حسین	۲۱۳	کیفیت شهادت حنظل بن احمد نهامی
۲۴۶	قرآن خواندن سر مقدس امام حسین	۲۱۵	کیفیت شهادت یزید بن زیاد کلبی
۲۴۶	انتشار خبر قتل حسین در مدینه	۲۱۵	کیفیت شهادت جمعی از اصحاب حسین
۲۴۷	سرها و اسیران به سمت شام	۲۱۵	کیفیت شهادت خثعمی و بشیر حضرمی
۲۴۷	سر مقدس حسین در راه شام	۲۱۵	کیفیت جنگ کردن و به شهادت رسیدن اهل بیت
۲۴۸	تجشع شام به دلیل ورود اهل بیت	۲۲۱	حسین
۲۴۹	دلیل شام سرها و زنان بنی هاشم	۲۲۲	کیفیت شهادت حضرت علی اکبر
۲۵۰	ما اهل بیت ستم ای پیرا	کیفیت شهادت حضرت قاسم بن الحسن	
۲۵۱	اهل بیت در مجلس یزید	۲۲۴	
سرزنش کردن یزید و اظهارشان به قتل حسین		کیفیت شهادت برادران مسادری حضرت عباس	
۲۵۱	مرد شامی فاطمه بنت الحسین را برای کنیزی از یزید خواست	۲۲۵	
۲۵۳	اشعار یزید	۲۲۶	کیفیت شهادت حضرت عباس بن علی
۲۵۳	خطبه زینب در مجلس یزید	۲۲۸	کیفیت شهادت طفل شیرخوار حسین
۲۵۴	سخنرانی امام سجاد در مجلس یزید	۲۲۹	کیفیت شهادت دو پسر عبدالله بن جعفر
۲۵۷	مقدمات و الزامات نقل مکان و کوچ دادن اهل بیت	۲۳۰	کیفیت شهادت خاندان عقیل
		۲۳۱	کیفیت شهادت فرزندان حسن بن علی
		۲۳۱	شرح تنهایی حضرت اباعبدالله الحسین

بیت به سمت مدینه ۲۶۱	پیراهن کهنه ۲۸۸
اهل بیت در مدینه ۲۶۲	شهادت علی اصغر ۲۸۹
سخنرانی امام سجاد برای اهل مدینه ۲۶۳	شهادت علی اصغر به طریق دیگر ۲۹۰
در احوالات ام کلثوم ۲۶۶	اعلام حضرت که لباسهای مناسب اسیری
اولین زائر برای حسین از مردم کوفه ۲۶۶	پوشند ۲۹۱
رمز المصیبه فی مقتل من قال انا قاتل العبره	آثاری که در روز شهادت آن حضرت مشاهده
ثواب گریه بر امام حسین ۲۷۱	شد! ۲۹۱
وداع امام حسین با قبر جدش ۲۸۰	سرگذشت اسب سیدالشهداء ۲۹۲
نوشتن نامه توسط امام حسین برای شیعیان	خواب دیدن ابن عباس در روز عاشورا ۲۹۲
و اشراف بصره ۲۸۱	ذکر شماره شهدای کربلا از اهل بیت ۲۹۳
نامه تشکر یزید از ابن زیاد پس از کشتن مسلم و	روانه کردن اهل بیت به سمت کوفه ۲۹۴
هانی ۲۸۱	حدیث امام صادق و سوبق در گریه بر امام
گریه دختر مسلم بر پدر ۲۸۲	حسین ۲۹۵
ندای شگفت آور به خرم ۲۸۲	تکلم سر مقدس و قرآن خواندنش در کوفه ۲۹۵
امام حسین یحیی بن زکریا را یاد	صنایع مسلم گچکار ۲۹۵
کرد ۲۸۳	حمل سارها و شکستن سر حضرت زینب
مختصر اقوال در عدد لشکر ابن زیاد ۲۸۳	 ۲۹۶
مختصر اقوال در عدد لشکر امام حسین ۲۸۳	ورود اهل بیت به محاصره ابن زیاد لعنت الله
بخشی از وقایع روز عاشورا ۲۸۴	علیه ۲۹۷
کسلمات حسین و اهل حرم در تهییج	چکیدن خون سر امام حسین بر ران ابن زیاد
لشکر ۲۸۵	 ۲۹۷
پاسخ و جواب اصحاب ۲۸۵	یکی از وقایع راه شام ۲۹۸
فرزندان امیرالمؤمنین از ام البنین ۲۸۶	خرابه شام ۲۹۸
کیفیت مبارزه و شهادت حضرت ابی الفضل	طاهر بن عبدالله دمشقی ۳۰۱
..... ۲۸۶	آمدن اهل بیت به حرمسرای یزید لعنت الله
	علیه ۳۰۳

پرخاش هند، همسر یزید به یزید ۳۰۳

خواب دیدن هند زن یزید ۳۰۴

زیارت جابر در روز اربعین قبر امام حسین . ۳۰۵

ورود به مدینه و ورود به مسجد رسول الله. ۳۰۷

www.ketab.ir

پیشگفتار

سپاس مخصوص خداوندی است که از بلندای افق عقل‌ها برای بندگان‌ش تجلی کرد و با استفاده از قرآن و احادیث معصومین، مقصود خود را بر همه بندگان‌ش روشن کرد. خدایی که دوستان‌ش را از دلبستگی به دنیای فریب‌دهنده رها داد، و به سمت انوار شادی و سرور رهنمون کرد. نه به این دلیل که بی‌جهت آن‌ها را به رخ مخلوقاتش بکشد، و یا اینکه در پیمایش راه‌های زیبا و نیکو مجبورشان کند، بلکه از آن جهت که خدای تعالی لیات پذیرش الطاف الهی را در آنان دید و آنان را شایسته آراستگی به صفات نیکو و زیبا دانست، به این دلیل راضی نشد که سرگرم کارهای بیهوده شوند و عمر خود را به بطلان سری بزنند، تا اینکه از هر چه جز خدا جدا شوند و مذاق جان آنها با لذت عظمت و بزرگی شناسایی شود. تا به این دلیل دل‌ها و اعمال خود را در انتظار رسیدن به سایه لطافت پروردگار از هر ظلمت و تاریکی منصرف و عطف به فضل و کرمش نمودند.

بنابراین در وجود آنها شادمانی حاصل از تین و ایمان به سرای جاوید الهی را مشاهده کرد و دل‌های ترسانشان از خطرهای مسیر لقای پروردگار هراسان است. و اشتیاق آن‌ها به آنچه که آنان را به مقصد حضرت حق نزدیک نماید، پیوسته در حال افزایش است و شادمانی آنها که در پی انجام دامن و دستورات الهی می‌باشد؛ گوش‌هایشان مشتاق شنیدن اسرار حق و دل‌های ایشان در پی کسب شادکامی به شیرینی یاد خداست.

و خداوند هم به قدر ایمانشان، آنها را بوسیله ذکر خود مدتی عنایت کرده و از نزدش آنچه که شایسته نیکوکاری و مهربانی است به آنها می‌دهد.

بنابراین، چقدر پست و کوچک است در برابر آنها آن چیزی که آنها را از بزرگی و عظمت و جلالت خداوند غافل نماید و چه منعی دارند از آنچه ایشان را از وصال خداوند دور نماید. آنقدر که از انس گرفتن با آن مکان لذت را در می‌یابند و همیشه رخت هیبت و بزرگی و ابهت الهی بر تن دارند. و لذا وقتی فهمیدند که زندگی و زنده ماندن آنها مانع از پیروی سنت‌های الهی است و بقاء و حیات آنها میان ایشان و برخورداری از رحمت و لطف الهی فاصله ایجاد می‌نماید، از بقاء و حیات خود گذشتند

و ترک زندگی دنیوی کردند، درب‌های ملاقات الهی را به صدا در آوردند و در مسیر رسیدن به آن سعادت بزرگ و ابدی تا سر حد ایثار و از خود گذشتگی و جانبازی و نثار جان‌های خویش پیش رفتند و خود را در معرض نيزه‌ها و شمشیرهای تیز و بران قرار دادند. ارواح با عظمت و شریف اصحاب کربلا نیز به هیجان آمده و به تکاپو و جنب و جوش افتاده بودند تا به آن عزت و مجد و بزرگی و افتخار عظیم برسند تا حدی که برای رسیدن به شهادت از هم سبقت می‌گرفتند و خود را در برابر هجوم نيزه‌ها و شمشیرها قرار می‌دادند. در اینجا به جاست توصیف سید مرتضی علم الهدی رضی الله عنه در حق آن شهدای بزرگ که چنین سروده است:

بدن‌های مطهرتان بر ریگزارهای سوزان رها شده (مانده) و جانها تان در جوار حق آرمیده.

گویا کسانی که می‌خواستند به ایشان زیان برسانند به سودشان عمل کردند و قاتلان آنها، با شمشیرشان زنده کننده آنها گردیده‌اند.

و اگر امتثال و تبعیت از فرمان حق و دست الهی و کتاب پروردگار در پوشیدن لباس عزا و مصیبت زدگی به خاطر از بین رفتن نشانه‌های هدایت و ایجاد بدعت گزاریها و بنیان‌های گمراهی و تأسف بر از دست دادن سعادت و تأثر و غمگینی بر شهادت آن بزرگواران نبود، هر لحظه در برابر این نعمت بزرگ نه همان لقای پروردگار می‌باشد لباس‌های شادی و سرور بر تن می‌کردیم.

اما از آنجا که رضایت خداوند حکمران در روز جزا به مال و ماتم در این مصیبت است و برای بندگان خوب و پاک خداوند هم حکمتی برقرار شده است، ما هم جامه عزا پوشیدیم و اشک از چشمها جاری کردیم و به چشمان خود این چنین گفتیم که: ای دیدگان! از گریه پی در پی غافل نشوید و به دل‌های خود گفتیم: همچون زنانی که فرزندان مرده ناله و زاری نمایند، چرا که خون امانت‌های پیامبر شفیق و دلسوز در این روز و در این سرزمین معروف، مباح شمرده شده، و اساس سفارش و وصیت آن حضرت به دست امت خود و دشمنانش از بین رفت.

خدایا از بلاهایی بزرگ که دل‌ها را جریحه دار کرده و از مصیبت‌هایی که هر مصیبت دیگر را کوچک جلوه داده و از حوادث تلخی که تقوی و ورع را از بین برد و بینشان فاصله انداخت بر تو پناه می‌برم، پناه بر خدا! از تیرهایی که خون رسالت را بر زمین

ریخت و دستهایی که این خاندان جلیل القدر را به اسارت برد و مصیبتی که سرهای پاکان صالح را از هم جدا کرد و بلا و دردی که جان برترین خاندانها را گرفت و از سرزنش و تحقیر و بی حرمتی هایی که شیر مردان را اسیر و ساکت کرد و فاجعه ای که سنگینی آن به دلیل دلخراش بودنش بر جبرئیل اثر کرد و واقعه و مصیبتی که در نزد خداوند متعال، بزرگ است.

و چرا اینگونه نباشد؟ در لحظه ای که پاره تن رسول الله عریان روی ریگ های سوزان و شن های بیابان رها شد و خون شریفش به شمشیرهای گمراهی بر زمین ریخته شده است و رخ دخترانش در مقابل چشمان شتربانان و تحقیرکنندگان قرار گرفت و غارت لباسهای ایشان در برابر دیدگان هر گویا و خاموشی به تماشا گذاشته شد، در حالی که بدن های شریف و بهر با کرامت، بدون لباس بر روی خاک افتاده بودند.

مصیبت هایی که با مع خندان را از هم جدا ساخت و قلب بشریت را از کار انداخت و فریادهای زنان هنگامی طنین انداز شد که خبر از مرگ آنان می داد و آن جناب را مخاطب می ساخت و آتش حزن و غم و اندوه، دلش را شعله ور می کرد.

ای کاش فاطمه و پدرش اینک در میان دختران و پسرانشان را که پابره نه اند و برخی مجروح و زخمی و برخی را اسیر و برخی دیگر را سر بریده اند و این که دختران خاندان نبوت گریبانها را چاک زده اند و در فراق عزیزانشان مصیبت زده اند و در حالی که گیسوانشان پریشان بود از پشت پرده ها بیرون آمدند و به صورتها و گونه ها سیلی و لطمه زدند، در غم از دست دادن حامی خود؛ دختران پدر از دست داده ای که نوحه سرایی می کردند در حالی که مراقبی و حمایت کننده ای نداشتند را می بینند.

پس ای مردمان آگاه و با بصیرت و تیزبین و ای اندیشمندان اصحاب این خاندان را با خود زمزمه کنید و به یاد آورید.

و بر بی کسی و غریب و تنهایی آنها و زیادی و کثرت دشمنانشان، نوحه سرایی کنید و با غم و اندوه دائم و اشک چشم فراوان یاریشان دهید و بر اینکه از دست داده اید توفیق نصرت و یاری ایشان را تاسف بخورید. به این دلیل که جان آنها امانت های پروردگار جهان و میوه دل پیامبر اسلام و نور چشمان حضرت صدیقه طاهره می بود. همان پیامبری که با دهان مبارک خویش لب و دندان آنها را می مکید و پدر و مادرشان را نیز نزد امت خود گرامی و برتری می داد.

اگر در درجهٔ اعلای مقامشان تردیدی داری، در این مورد از راه و روش نبوی و احادیث و آیات محکم قرآن سؤال کن.

«چرا که قرآن و سنت برای خردمندان، عادل‌ترین و درست‌ترین شاهدانی هستند که فضایل اهل بیت را به طور گسترده‌ای بیان نموده‌اند.» و خداوند متعال به وسیلهٔ حضرت جبرائیل سفارشی را از قبل در حق ایشان برای پیامبر آورده است.

چگونه مردم به همین زودی همه چیز را فراموش کردند و در برابر نیکی‌ها و خوبی‌های پدرش به قدرشناسی پرداختند و حال حضرتش را با سختی و عذاب دادن میوهٔ دلش مکار و غمگین ساختند و مقام و منزلتش را با ریختن خون و کشتن فرزنداناش کوچک شماردند؟!!

پس جایگاه و مقام و موضع قبول وصایای پیامبر در مورد خاندان و اهل بیتش کجا رفت؟ هنگام ملاقات آن حضرت در قیامت و در جواب پرسش آن حضرت در مورد وصایایش چه پاسخی خواهند داد؟ این ستم پیشه‌گان بنایی را که پیامبر بر پا کرده بود را ویران کردند تا جایی که فریاد و مصابه از اسلام بر آوردند. پناه بر خدا از قلبی که با شنیدن این مصیبت‌ها نشکند و تعجب از عقلت مردم زمانه و عذری که مسلمانان و مؤمنان از برگزاری انواع مجالس غم و اندوه می‌آورند!

آیا نمی‌دانند که محمد مصیبت زده و غمگین و شکسته و عزیز دلش زمین خورده‌ای است که فرشتگان از عظمت این مصیبت پاهای تسلیت خود را به پیامبر ابلاغ می‌دارند و همهٔ انبیاء در غم‌ها و مصائب او شریک هستند. ای وفاداران به آن حضرت پس چرا در گریستن او را یاری نمی‌کنند؟ به خدا ای دوستدار فرزندان زهرا بر شما واجب است که با او در عزای کسانی که به روی خاک افتاده‌اند هم ناله شوی و نوحه‌سرایی کنی و دل غمگین و شکسته‌ات را با اشک‌های روان خود زیبا نمایی و گریه کنی بر بزرگان اسلام، تا پاداش کسانی را که با اهل بیت در مصیبت و غم‌هایشان همدردی می‌کنند را به دست آوری و در روز حساب و قیامت به سعادت ابدی برسی؛ به این دلیل از امام باقر روایت شده که ایشان فرمودند: پدرم امام زین العابدین می‌فرمودند: هر مؤمنی که چشمانش برای امام حسین گریان شود - به اندازه‌ای که اشک بر گونه‌هایش جاری شوند - خداوند متعال در بهشت برای او خانه‌هایی بنا می‌نماید که مدتی طولانی در آنها ساکن شود و اگر مؤمنی به دلیل آزار و

اذیتی که در دنیا به ما می‌رسد، چشمانش به اندازه‌ای گریان شود که اشک‌هایش بر صورتش جاری شود، خدا او را در خانهٔ صدق و راستی جای می‌دهد و خداوند، آزار و اذیت روز جزا را از هر مؤمنی که در راه ما آزار و اذیت ببیند، بر می‌دارد و او را از عذاب جهنم حفظ می‌نماید.»

همچنین سرور ما امام صادق فرمودند:

هر کسی که پیش او مصیبت ما خوانده شود و او به اندازهٔ بال مگسی اشک از چشمانش جاری شود، خداوند گناهانش را می‌بخشد هر چند به اندازه کف دریا باشد و همچنین از امان معصوم در روایاتی نقل شده که فرموده‌اند: هر که در مصائب ما بگرید و یا صد نفر را بگریاند، اهل بهشت است و هر کس که بگرید و یا سی نفر را بگریاند و اهل بهشت است؛ و کسی که بگرید و یا اینکه ده نفر را بگریاند، اهل بهشت است و کسی که گریه کند و یا ایک نفر را بگریاند، اهل بهشت است و کسی که خود را به گریه وادار کند، اهل بهشت می‌باشد.

گردآورندهٔ کتاب، علی بن محمد بن جعفر بن محمد بن طاووس، می‌گوید: همه دلیل من از تألیف این کتاب و انگیزه‌ای که سرانجام نگاشتن این کتاب واداشت این بود که وقتی در حال جمع آوری کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر بودم دیدم که آن دو کتاب مجموعه‌ای شد از بهترین جاهای زیارت و اعمال برگزیده‌ای که به هنگام زیارت باید به جا آورد و هر کسی که آن کتاب را همراه خود داشته باشد حمل کردن کتاب مصباح یا هر کتاب مقتل دیگر به حرم سیدالشهداء در زیارت عاشورا بر وی نیاز می‌گردد. از این رو این کتاب را تهیه کردم تا اینکه ضمیمه‌ای باشد بر آن کتاب (مصباح الزائر). تا آنجا که امکان داشت مطالب را کوتاه آورده‌ام که مناسب با کمی وقت زائران باشد و با اینکه از طول و تفصیل پرهیز کردم، ولی این کتاب برای گشودن درهای غم و اندوه کفایت می‌کند و در قالب این الفاظ حقایق ارزنده‌ای را قرار دادم و نامش را کتاب «لهوف علی قتلی الطفوف» (نوحه‌هایی سوزان بر کشتگان بیابان) قرار دادم و به یاری خداوند، آن را در سه فصل بیان کردم.